



فارسی هفتم درس هفتم «علم زندگانی»



۰۸۳۰ ۴۷۴ ۰۹۱۲

هسین امینیان

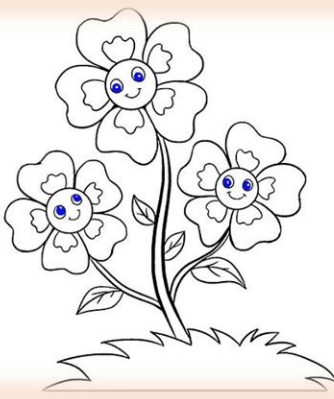
شعر از پروین اعتصامی در ۲۵ اسفند ۱۲۸۵ خورشیدی در تبریز متولد شد.



قالب شعر: مثنوی (هر بیت دارای قافیه‌ای جداگانه است و به همین دلیل به آن مثنوی (دو تا دو تا) گفته می‌شود).

شوق: اشتیاق، ذوق، علاقه جرئت: دلیری، بی‌باکی، پردلی شوق پرواز: تشخیص و استعاره جرئت کرد: تشخیص و استعاره کبوتر، پرواز، بال، پرواز: مراعات نظیر با، باز: جناس ناهمسان اختلافی	۱- کبوتر بچه‌ای با شوق پرواز به جرئت کرد روزی بال و پر باز روزی بچه کبوتری با اشتیاق بسیار بال و پر خود را برای پرواز باز کرد. 
شاخکی: شاخه کوچک شاخسار: قسمت بالای درخت که پُر شاخه باشد، شاخه درخت / بامک: بام کوچک جو: جوی، رود، نهر شاخک، شاخسار: مراعات نظیر	۲- پرید از شاخکی بر شاخساری گذشت از بامکی بر جو کناری ز شاخه ی کوچکی به شاخه کوچک دیگری پرید و از کنار بام کوتاهی به کنار جوی آبی پرید
نمود: نشان، به نظر / بس: بسیار، خیلی گیتی: دنیا، جهان دور، نزدیک: تضاد که، به: جناس ناهمسان اختلافی نزدیک، تاریک: قافیه	۳- نمودش بس که دور آن راه نزدیک شدش گیتی به پیش چشم، تاریک این راه کوتاه برایش خیلی دور و طولانی به نظر آمد و دنیا پیش چشمانش تار شد. مفهوم بیت: ضعیف بودن در پرواز و خستگی
وحشت: ترس، بیم سست: ضعیف، ناتوان ناگاه: ناگهان از رنج خستگی درماندن: کنایه از ناتوان شدن وحشت، سست، درماند: مراعات نظیر	۴- ز وحشت، سست شد بر جای، ناگاه ز رنج خستگی درماند در راه از وحشت و ترس بر جای خود خشک شد و از شدت خستگی، درمانده شد و در راه ماند. مفهوم بیت: ناتوان شدن

	عجز: ناتوانی، درماندگی از پای افتادن: کنایه از ناتوانی	۵- فتاد از پای، کُرد از عجز فریاد ز شاخی مادرش آواز در داد: از پا افتاد و از ناتوانی فریاد کشید، مادرش از شاخه ای صدایش زد:
	بس: بسیار نوکاران: تازه کاران نوکاران: کنایه از بی تجربه بودن از نوکاران که خواهد کار بسیار: استفهام انکاری دشوار، بسیار: قافیه	۶- «تو را پرواز بس زود است و دشوار ز نوکاران که خواهد کار بسیار؟ پرواز کردن هم برای تو بسیار زود است، هم بسیار سخت و دشوار، چه کسی از افراد تازه کار، کار بسیار می‌خواهد؟
	برزن: کوچه / بام: پشت بام، سقف نوبت: زمان، وقت هنوزت: تکرار نیست، است: تضاد فعلی برزن، بام: مراعات نظیر	۷- هنوزت نیست پای برزن و بام هنوزت نوبت خواب است و آرام هنوز قدرت رفتن به کوچه و پرواز به بر روی پشت بام نداری. اکنون وقت خوابیدن و استراحت توست.
	توش: توشه، زاد حدیث: ماجرا، رویداد، واقعه، داستان توش هنر: اضافه تشبیهی حدیث زندگی: اضافه استعاری می باید: تکرار	۸- تو را توش هنر می‌باید اندوخت حدیث زندگی، می‌باید آموخت به تو باید هنر تجربه کردن را آموخت و راه و رسم زندگی کردن را به تو باید یاد داد. مفهوم بیت: کسب تجربه
	نهادن: قرار دادن، گذاشتن پا محکم نهادن: کنایه از سعی و تلاش کردن بر پای ایستادن: کنایه از استقامت و صبر کردن هر، بر: جناس ناهمسان اختلافی	۹- ببايد هر دو پا محکم نهادن از آن پس فکر بر پای ایستادن اول باید بتوانی پاهای خود را محکم روی زمین بگذاری، سپس به فکر پرواز کردن باشی.
	گنج: سرمایه، با ارزش رنج: سختی آسودگی: آسایش گنج، رنج: جناس ناهمسان اختلافی را، مرا: جناس ناهمسان افزایشی چون نگهبانم: تشبیه تو چون گنج: تشبیه آسودگی، رنج: تضاد چون، تو: تکرار	۱۰- من اینجا چون نگهبانم تو چون گنج تو را آسودگی باید مرا رنج من اینجا مانند نگهبانی هستم و تو مانند گنجی تو باید استراحت کنی و من سختی بکشم. 

 دام: تله، بند، تور دام: استعاره از گرفتاری در دام بودن: کنایه از گرفتار شدن در، پر: جناس ناهمسان اختلافی بستند، شکستند: قافیه	۱۱- مرا در دام ها بسیار بستند ز بالم کودکان پرها شکستند من در دامها و بلاهای بسیاری گرفتار شدم و بارها بچه ها بال و پر را شکستند. مفهوم بیت: گرفتار شدن
گه: گاه سر پنجه: سرانگشتان، پنجه دست دیوار، در: مراعات نظیر سر پنجه، سر: مراعات نظیر گه، از: تکرار	۱۲- گه از دیوار سنگ آمد، گه از در گهم سر پنجه خونین شد، گهی سر از در و دیوار به من سنگ زدند و گاهی پنجه ها و گاهی سرم خونین شد. مفهوم بیت: در آسیب بودن
لحظه: وقت، زمان، یک دم دمساز: همدم، همنشین گهی: گاهی باز: پرنده شکاری، معروف به مرغ شکاری آسایشم دمساز نگشت: تشخیص و استعاره گه، از: تکرار	۱۳- نگشت آسایشم یک لحظه دمساز گهی از گربه ترسیدم، گه از باز استراحت یک لحظه با من همدم نشد، گاهی از گربه و گاهی هم از باز شکاری ترسیدم مفهوم بیت: خطرات زندگی نداشتن آرامش
هجوم: حمله فتنه: آشوب، عذاب فتنه های آسمانی: اضافه استعاری علم زندگانی: اضافه استعاری	۱۴- هجوم فتنه های آسمانی مرا آموخت علم زندگانی حمله ی بلاهای آسمانی به من روش زندگی کردن را آموخت.
شاخک: شاخه کوچک بی بن: بدون ریشه برومند: قوی، بارور، مثمر سعی: تلاش عمل: اقدام سعی، عمل: مراعات نظیر تو، من: مراعات نظیر بی بن، برومند: تضاد مفهومی 	۱۵- نگردد شاخک بی بن، برومند ز تو سعی و عمل باید، ز من پند شاخه بدون ریشه قوی نمی شود. تو باید سعی و تلاش و اقدام کنی و من پند و نصیحت کردن مفهوم بیت: گوش کردن و تلاش کردن 

خودارزیابی

۱- چرا گیتی به چشم کبوتر بچه تاریک شد؟

زیرا خسته شده بود و دیگر توان پرواز نداشت.

۲- به نظر شما کبوتر بچه ممکن است چه پاسخی به پند مادر داده باشد؟

اینکه بالاخره شما هم از روز اول بی تجربه بوده‌اید و کم کم تجربه کسب کرده‌اید. یا قبول کردن پند مادر و عمل به آن یا گفته یک ماشین واسم بخر تا پیام پایین

۳- پیام اصلی درس چیست؟

برای موفقیت در زندگی می‌بایستی علم زندگی کردن را با تلاش و استفاده از تجربیات آموخت.

دانش زبانی و ادبی

نکتهٔ اول

به این جمله‌ها توجه نمایید و دربارهٔ آنها گفت‌وگو کنید.

- زهرا آمد.

- دوستم سیب را خورد.

- رامین کیف را از بازار خرید.

- برادرم توپ را به احسان داد.

همان طور که پیش‌تر گفتیم «**فعل**»، اصلی‌ترین بخش یک جمله است. برخی از فعل‌ها مانند فعل «آمد» فقط با نهاد، جمله‌ای می‌سازند که معنی کاملی دارد. بعضی دیگر مانند فعل «خورد» با گرفتن مفعول، جملهٔ کاملی می‌سازند. گروهی نیز مانند فعل «خرید و داد» علاوه بر نهاد و مفعول، بخش دیگری می‌گیرند. به این بخش که برای کامل شدن معنای جمله آمده است، «**متمّم**» می‌گویند. متمّم در جملهٔ سوم «بازار» و متمّم در جملهٔ چهارم «احسان» است. کلمه‌هایی مانند «از، به، در و ...» قبل از متمّم به کار می‌روند و نشانهٔ متمّم (حرف اضافه) هستند.

نهاد	مفعول	متمم	فعل
زهرا	-	-	آمد
دوستم	سیب	را	خورد
رامین	کیف	از بازار	خرید
برادرم	توپ	به احسان	داد

نکته دوم

به این بیت توجه کنید:

شدش گیتی به پیش چشم تاریک نمودش بس که دور آن راه نزدیک

اگر شعر را به نثر برگردانید، احتمالاً این گونه خواهید نوشت:

آن راه نزدیک، آنقدر دور به نظرش رسید که گیتی (دنیا) پیش چشم او تاریک شد.

در برگرداندن شعر به نثر چه اتفاقی می افتد؟

می بینید که قسمت های مختلف شعر وقتی به نثر تبدیل می گردند، جابه جا می شوند. در جمله «گیتی (دنیا) پیش چشم او تاریک شد.» فعل در پایان جمله قرار می گیرد اما در شعر به اول بیت منتقل شده است. این جابه جایی در شعر و نثر ادبی بر زیبایی سخن می افزاید.

به این نوع نوشته ها که به هم ریخته باشند شیوه بلاغی یا جابه جایی اجزای کلمات گویند. مثال: گفتم به شما من این جمله را: (می بینید که فعل اول جمله آمده و نهاد «من» در وسط و مفعول در آخر جمله) به این نوع به هم ریختگی کلمات در جمله شیوه بلاغی گویند.

نگردد شاخک بی بن برومند: (جابه جایی اجرای کلمات یا شیوه بلاغی به کار رفته است.)

شیوه بلاغی را در کتاب فارسی پایه دوازدهم مرور خواهید کرد.

آیا همه اجزای جمله را می توان به دلخواه (در شعر و نثر) جابه جا کرد؟

همه اجزای جمله را نمیتوان به دلخواه جابه جا کرد زیرا باید ارکان دستوری رعایت شود.

- کلمه های مخفف (کوتاه شده) معمولاً به همان صورتی که تلفظ و شنیده می شوند، باید نوشته شوند.

مثال: گه، سحرگهان که مخفف شده گاه و سحرگاهان است.

– بعضی از کلمه‌ها دو املایی اند؛ یعنی به دو شکل نوشته می‌شوند، مانند:
جرئت، جرأت – هیئت، هیأت اتو، اطو – علایق، علائق – بلوار، بولوار

کارگروهی

۱- درس را به صورت نمایش در کلاس اجرا کنید. به عهده دانش آموز

۲- داستان دیگری که بیانگر انتقال تجربه است، بیابید و در کلاس بخوانید.

پس چرا منتظری برو بیاب بیا بخون

نوشتن

۱- در بیت‌های زیر متمم‌ها را مشخص کنید و بنویسید.

پريد از شاخکی بر شاخساری گذشت از بام_____کی بر جو کناری
 متمم متمم متمم متمم
 ز وحشت، سست شد بر جای، ناگاه ز رنج خستگی درماند در راه
 متمم متمم متمم متمم
 مضاف الیه برای رنج مضاف الیه برای رنج

۲- دو واژه کوتاه شده از متن درس پیدا کنید و شکل کامل آن را در جدول زیر، مانند نمونه بنویسید.

کوتاه شده	کامل
فتاد	افتاد
گاهی	گاهی
شاخی	شاخه‌ای
توش	توشه
گه	گاه

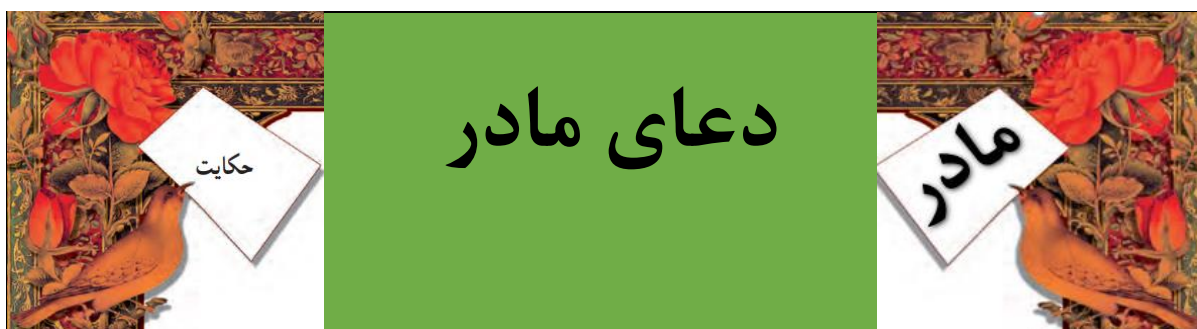
۳- با توجه به معنی، املای صحیح کلمه را انتخاب کنید.

الف) هجوم ☒ هجوم ☐ = حمله ب) اجز ☐ عجز ☒ = ناتوانی

۴- یک مفعول و یک متمم از صفحه نخست درس پنجم، پیدا کنید و جمله‌های آن را بنویسید.

۱- تصمیم گرفتم قلبم را بدهم به مادرم. جمله عاطفی

مفعول متمم



بایزید بسطامی: ابویزید طیفور بن عیسی بن آدم بن سروشان بسطامی معروف به بایزید بسطامی ملقب به سلطان العارفین بزرگ‌ترین عارف قرن سوم هجری، از اهالی ایران و از بزرگان اهل تصوف بود
رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ: بخشایش و مهربانی خداوند بر او

ابتدا: آغاز: شروع

بخُص: بخواب

شب، امشب: اشتقاق

از **بایزید بسطامی**، **رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ**، پرسیدند که **ابتدای** کار تو چگونه بود؟ گفت: من ده ساله بودم، **شب** از عبادت خوابم نمی‌برد. شبی مادرم از من درخواست کرد که **امشب** سرد است، نزد من **بخُص**.



مخالفت: ناسازگاری
دشوار: سخت
پذیرفتم: قبول کردم
نهاده بودم: قرار داده بودم
دست، سر: مراعات نظیر
بازماندن: کنایه از عقب ماندن، جا ماندن
بر، سر: جناس ناهمسان اختلافی
شب، دست، دست، مادر: تکرار

مخالفت با خواهش مادر برایم **دشوار** بود؛ **پذیرفتم**. آن شب هیچ خوابم نبرد و از نماز شب **بازماندم**. یک دست بر دست مادر **نهاده بودم** و یک دست زیر سر مادر داشتم.



بهر: برای
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ: آرایه تضمین
خشک شدن دست: کنایه از چوب شدن
ای تن: تشخیص و استعاره

آن شب، هزار «**قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ**» خوانده بودم. آن دست که زیر سر مادرم بود، **خون اندر آن خشک شده بود**. گفتم: «**ای تن**، رنج از **بهر** خدای بکش».

رب: پروردگار / **خشنود:** راضی، خرسند
درجتش: مقام او / **اولیا:** دوستان خدا
حق: شایسته، سزاوار، نصیب
مستجاب: مقبول، برآورده، اجابت شده

چون مادرم چنان دید، دعا کرد و گفت: «**یا رب**، تو از وی **خشنود** باش و **درجتش**، درجه **اولیا گردان**».
دعای مادرم در **حق** من **مستجاب** شد و مرا بدین جای رسانید.

تاریخ ادبیات: بستان العارفین و تحفه المریدین کتابی کهن به فارسی درباره صوفی‌گری در حوزه خراسان است از نویسنده‌ی او تا سال‌ها خبری نبود. صفحه آخر و اول این کتاب کنده شده به همین دلیل نویسنده آن معلوم نبوده است. **مؤلف** آن احتمالاً ابو یزید طیفور بن عیسی بن آدم بن سروشان بسطامی معروف به **بایزید بسطامی** است.

بررسی و توضیحات دانش زبانی درس «علم زندگانی» فارسی هفتم

۱- کبوتر بچه‌ای با شوق پرواز به جرئت کرد روزی بال و پر باز

دانش زبانی: بیت یک جمله دارد. جمله سه جزئی گذرا به مفعول

(۱- روزی کبوتر بچه ای با شوق پرواز بال و پر باز کرد)

مصرع اول: کبوتر بچه‌ای: گروه نهادی با شوق پرواز: گروه متممی

نهاد مضاف الیه متمم مضاف الیه

مصرع دوم: به جرئت باز کرد روزی بال و پر باز
متمم فعل مرکب قید مفعول واو مباین (واو همراهی) مربوط به فعل

۲- پرید از شاخکی بر شاخساری گذشت از بامکی بر جو کناری

دانش زبانی: بیت دو جمله دارد. جمله دو جزئی

مصرع اول: پرید از شاخکی بر شاخساری

فعل متمم متمم

مصرع دوم: گذشت از بامکی بر جو کناری

فعل متمم متمم مضاف الیه متمم (برکنار جو)

۳- نمودش بس که دور آن راه نزدیک شدش گیتی به پیش چشم، تاریک

دانش زبانی: بیت دو جمله دارد. هر دو جمله سه جزئی گذرا به مسند

مصرع اول: نمود (نکته ۱) ش بس که دور آن راه نزدیک: گروه نهادی

فعل اسنادی متمم (برای او) قید که مطلق مسند صفت نهاد صفت

مصرع دوم: شد ش (پشمش) (نکته ۲) گیتی به پیش چشم (ش) تاریک

فعل مضاف الیه و جهش ضمیر نهاد حرف اضافه متمم و مضاف الیه مسند

نکته ۱: هرگاه «نمودن» در معنی «به نظر رسیدن» به کار رود، گذرا به مسند است.

نکته ۲: جهش ضمیر: ضمیرهای متصلی که با اسم یا فعل می آیند اگر ضمیر مربوط به کلمه ای غیر از خودش باشد جهش ضمیر گویند.

۴- ز وحشت، سست شد بر جای، ناگاه ز رنج خستگی درماند در راه

سه جزئی گذرا به مسند سه جزئی گذرا به متمم

دانش زبانی: بیت دو جمله دارد. مصرع اول: / مصرع دوم:

(۱- ناگاه از وحشت بر جای سست شد ۲- در راه از رنج خستگی درماند)

مصرع اول: ز وحشت سست شد بر جای ناگاه کبوتر بچه

متمم مسند فعل اسنادی متمم قید نهاد مفزوف

مصرع دوم: ز رنج خستگی: گروه متممی درماند در راه

متمم مضاف الیه فعل متمم

۵- فتاد از پای، کرد از عجز فریاد ز شاخی مادرش آواز در داد:

دو جزئی سه جزئی گذرا به مفعول سه جزئی

دانش زبانی: بیت سه جمله دارد.

(۱- از پای افتاد ۲- از عجز فریاد کرد ۳- مادرش از شاخه ای آواز در داد.)

مصرع اول: فتاد از پای کرد از عجز فریاد

فعل مرکب پیشوندی فعل متمم مفعول (نکته ۳)

نکته ۳: چرا فریاد مفعول شده است؟ چون نشان دهنده انجام کاری است که از کبوتر بچه سر زده است چون شروع به فریاد زدن کرده است در واقع دارد کاری را انجام می دهد و اگر این را با فعل همراه کنیم (فریاد کرد) و به عنوان فعل مرکب بدانیم فعل دو جزئی می شود و در حالی که فعل «کردن» در این مواقع معنی «انجام دادن» را می دهد و جمله سه جزئی می شود. **طرز تشخیص:** کبوتر بچه از ناتوانی (از عجز) چه کاری را کرد؟ فریاد را (یعنی شروع به فریاد زدن را انجام داد)

مصرع دوم: ز شاخی مادرش: گروه نهادی آواز در داد (صدا زد)

متمم نهاد مضاف الیه فعل مرکب پیشوندی

۶- «تو را پرواز بسی زود است و دشوار ز نو کاران که خواهد کار بسیار؟»

سه جزئی گذرا به مسند سه جزئی گذرا به مسند سه جزئی گذرا به مفعول

دانش زبانی: بیت سه جمله دارد. (۱- پرواز برای تو بسیار زود است ۲- پرواز برای تو بسیار دشوار است ۳- چه کسی از نوکاران کار بسیار می خواهد؟)

مصرع اول: تو را پرواز بسی زود است و دشوار

متمم نشانه حرف اضافه نهاد قید مسند فعل اسنادی حرف ربط همپایه مسند

مصرع دوم: ز نو کاران که خواهد کار بسیار: گروه مفعولی

متمم نهاد (په کسی) فعل مفعول صفت

۷- هنوزت نیست پای برزن و بام هنوزت نوبت خواب است و آرام

دو جزئی سه جزئی گذرا به مسند //

دانش زبانی: بیت سه جمله دارد.

(۱- برای تو هنوز پای برزن و بام نیست ۲- هنوز نوبت خواب است ۳- و وقت آرام تو است.)

مصرع اول: هنوزت نیست پای: گروه نهادی برزن و آرام

قید جهش ضمیر برای پای فعل نهاد «ت» در هنوزت اضافی مسند عطف معطوف

(پای تو هنوز برای برزن و بام نیست) این بیت تاویل ندارد که بنده تا حد امکان مخالف تاویل هستم.

مصرع دوم: هنوزت (ت) مضاف الیه برای خواب و آرام نوبت خواب است و آرام

قید «ت» جهش ضمیر برای خواب و آرام نهاد مسند فعل اسنادی حرف ربط همپایه مسند

(هنوز نوبت خواب تو است و نوبت آرام توست)

۸- تو را توش هنر می باید اندوخت حدیث زندگی، می باید آموخت

چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم چهار جزئی مفعول به متمم

دانش زبانی: بیت دو جمله دارد.

(۱- به تو توش هنر را می باید اندوخت ۲- به تو حدیث زندگی را می باید آموخت)

مصرع اول: تو را «را» به تو توش هنر: گروه مفعولی می باید اندوخت
متّم فعلی «را» نشانه حرف اضافه مفعول مضاف الیه قید فعل به معنای یاد دادن
مصرع دوم: حدیث زندگی می باید آموخت (نکته ۴ و ۵)
مفعول مضاف الیه قید فعل چهار جزئی (۱- نهاد ۲- متّم فعلی ۳- مفعول ۴- فعل)

نکته ۴: «اندوختن به» «آموختن به» نیاز به حرف اضافه دارد. چون فعل به متّم نیاز پیدا کرده است به متّم جمله، متّم فعلی می گوئیم و نقش آن اجباری است.

نکته ۵: در مصرع دوم متّم محذوف است و در این موارد حذفیات نقش های اصلی باز هم در گروه سه جزئی یا چهار جزئی به حساب می آیند.

۹- ببايد هر دو پا محکم نهادن از آن پس فکر بر پای ایستادن

جمله سه جزئی گذرا به مفعول
جمله سه جزئی گذرا به مفعول
دانش زبانی: بیت دو جمله دارد.

(۱- تو باید هر دو پا را محکم نهادن گذاشت ۲- از آن پس فکر بر پای ایستادن را کنی)

مصرع اول: ببايد هر دو پا محکم نهادن گذاشت
قید صفت مبهم ص. شمارشی مفعول قید فعل مفعول به قرینه معنوی
مصرع دوم: از آن پس فکر بر پای ایستادن: گروه مفعولی کنی
قید مفعول مضاف الیه فعل مفعول به قرینه معنوی

۱۰- من اینجا چون نگهبانم تو چون گنج تو را آسودگی باید مرا رنج

سه جزئی گذرا به مسند // سه جزئی گذرا به مسند //
دانش زبانی: بیت چهار جمله دارد.

(۱- اینجا من چون نگهبان هستم ۲- تو چون گنج هستی ۳- تو را آسودگی باید باشد ۴- مرا رنج باشد)

مصرع اول: من اینجا چون نگهبانم تو چون گنج هستی
نهاد قید حرف اضافه مسند متّمی (نکته ۶) نهاد حرف اضافه مسند متّمی فعل
مصرع دوم: تو را «را» برای آسودگی باید مرا (نکته ۷) رنج باشد (فعل مفعول)
مسند متّمی (برای تو) نهاد قید نهاد متّمی مسند به قرینه معنوی

نکته ۶: متّم جایگزین مسند چیست؟ هرگاه فعل یک عبارتی، مسند می خواهد اما هیچ گروه بدون نشانه ای که بتوان آن را مسند دانست و پیش از فعل پیدا نشد، مجموعه «حرف اضافه و متّم» که قبل از فعل آمده است، جانشین مسند است به چنین متّم هایی، متّم جانشین مسند می گوئیم. مثال: تو را آسودگی باشد که در اینجا «برای تو» متّم جانشین مسند است.

نکته ۷: گروه اضافه ای نهاد گاهی اوقات حروف اضافه که متّم می سازند به ضرورت نقش نهادی می گیرند و بهتر است بگوئیم «گروه اضافه ای» نهاد جمله است. گروه های حرف اضافه ای در نقش نهاد، همیشه با فعل سوم شخص مفرد همراه می شوند. مثال: برای من رنج باشد

۱۱- مرا در دام ها بسیار بستند ز بالم کودکان پرها شکستند

سه جزئی گذرا به مفعول
سه جزئی گذرا به مفعول
دانش زبانی: بیت دو جمله دارد.

(۱- مرا در دام ها، بسیار بستند ۲- کودکان پرها از بالم شکستند.)

مصرع اول: مرا	در دام ها	بسیار	بستند
مفعول	متمم	قید	فعل
مصرع دوم: ز بالـم: گروه متممی	کودکان	پر ها	شکستند
متمم	مضاف الیه	نهاد	مفعول
۱۲- گه از دیوار سنگ آمد، گه از در گهم سر پنجه خونین شد، گهی سر دو جزئی (نهاد + فعل) دو جزئی سه جزئی گذرا به مسند // دانش زبانی: بیت چهار جمله دارد. مصرع اول: گه از دیوار سنگ آمد گه از در آمد فعل مزف شده قید متمم نهاد فعل ناگذرا قید متمم به قرینه لفظی مصرع دوم: گهم (م) بهوش ضمیر سر پنجه ام خونین شد گهی سر خونین شد (فعل مزف) قید برای سرپنجه نهاد (م) اضافی مسند فعل اسنادی قید نهاد مسند مزف به قرینه لفظی			
۱۳- نگشت آسایشم یک لحظه دمساز	گهی از گربه ترسیدم،	گه از باز	
سه جزئی گذرا به مسند	سه جزئی گذرا به متمم	سه جزئی گذرا به متمم	
دانش زبانی: بیت سه جمله دارد.			
(۱- آسایش یک لحظه دمسازم نگشت ۲- گاهی از گربه ترسیدم ۳- گاه از باز ترسیدم)			
مصرع اول: نگشت	آسایشم (م) بهوش ضمیر	یک لحظه	دمسازم: گروه مسندی
فعل اسنادی	نهاد (م) برای دمساز	قید و ترکیب وصفی	مسند مضاف الیه
مصرع دوم: گهی از گربه	ترسیدم	گه	از باز ترسیدم
قید متمم فعلی	فعل	قید	متمم فعلی فعل موزون به قرینه لفظی
۱۴- هجوم فتنه های آسمانی	مرا آموخت علم زندگانی		
جمله چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم			
دانش زبانی: بیت یک جمله دارد. (۱- هجوم فتنه های آسمانی به من علم زندگانی آموخت)			
مصرع اول: هجوم فتنه های آسمانی: گروه نهادی			
نهاد	مضاف الیه	مضاف الیه	
مصرع دوم: مرا (به من)	آموخت (یار دادن به)	علم زندگانی: گروه مفعولی	
متمم فعلی	فعل چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم	مفعول	مضاف الیه
۱۵- نگردد شاخک بی بن، برومند	ز تو سعی و عمل باید، ز من پند		
سه جزئی گذرا به مسند	سه جزئی گذرا به مسند //		
دانش زبانی: بیت سه جمله دارد.			
(۱- شاخک بی بن، برومند نگردد ۲- از تو سعی و عمل باید باشد ۳- از من پند باید باشد)			
مصرع اول: نگردد	شاخک بی بن: گروه نهادی	برومند	
فعل اسنادی	نهاد صفت	مسند	
مصرع دوم: ز تو	سعی و عمل	باید	ز من (نکته ۶) پند باشد (فعل مزف شده)
مسند متممی (نکته ۶)	نهاد	قید	مسند جایگزین متمم نهاد به قرینه معنوی

آزمون فارسی هفتم درس هفتم «علم زندگانی»

۱- در کدام گزینه هیچ غلط املایی وجود ندارد؟

- (۱) دعای مادرم در حق من مستجاب شد و مرا به این جای رسانید.
 (۲) آن دست که زیر سر مادرم بود، خون اندر آن خشک شده بود. گفتم: «ای تن، رنج از بحر خدای بکش»
 (۳) در طلوی نگاه خسته تو برگ رنگین کمان امید است
 (۴) قلب سرشار از عطوفت تو روشن از آفتاب قرآن است

۲- املای کدام گزینه با توجه به معنا نادرست است؟

- (۱) برزن: محله (۲) عجز: ناتوانی (۳) حدیث: داستان (۴) هجوم: حمله

۳- متن زیر چند غلط املایی دارد؟

«شبی مادرم از من درخواست کرد که امشب سرد است، نزد من بخوسب. مخالفت من با خواهش مادرم دشوار بود. پذیرفتم.»
 (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۴- با توجه به بیت «هجوم فتنه های آسمانی مرا آموخت علم زندگانی» کدام گزینه غلط است؟

- (۱) نهاد بیش از یک کلمه است. (۲) «مرا» یعنی «به من»
 (۳) دارای متمم است. (۴) «علم زندگانی» ترکیب وصفی است.

۵- در کدام گزینه حرف «را» معنی «برای» می دهد؟

- (۱) مرا در دام ها بسیار بستند. (۲) مرا آموخت علم زندگانی
 (۳) تو را پرواز بس زود است و دشوار (۴) تو را توش هنر می باید اندوخت

۶- نهاد در مصراع «نگشت آسایشم یک لحظه دمساز» کدام است؟

- (۱) آسایش (۲) «م» در «آسایشم» (۳) یک لحظه (۴) دمساز

۷- «نهاد» مصراع اول و دوم بیت زیر، در کدام گزینه درست مشخص شده است؟

- «نمودش بس که دور آن راه نزدیک شدش گیتی به پیش چشم تاریک»
 (۱) آن راه نزدیک - گیتی (۲) راه نزدیک -- تاریک
 (۳) دور - گیتی (۴) آن راه -- پیش چشم

۸- مفهوم بیت «تو را پرواز بس زود است و دشوار / ز نوکاران که خواهد کار بسیار» چیست؟

- (۱) پرواز خوبی کردن (۲) بی تجربگی و تازه کار بودن
 (۳) سخت و دشوار بودن کار (۴) کار بسیار کردن

۹- در بیت « کبوتر بچه ای با شوق پرواز به جرئت کرد روزی پر و بال باز »
چه آرایه ادبی به کار رفته است؟

- (۱) تشبیه (۲) تضاد (۳) مراعات نظیر (۴) تکرار

۱۰- کدام گزینه درست نیست؟

- (۱) «فتاد» مخفف کلمه «افتاده» است.
(۲) «ک» در بامک معنی خردی و کوچکی می دهد.
(۳) کلماتی چون «از، در، با و برای» قبل از متمم می آیند.
(۴) مصراع « نمودش بس که دور آن راه نزدیک » آرایه تضاد دارد.

۱۱- مفهوم کدام عبارت درست نیست؟

- (۱) از نماز شب باز ماندم: نتوانستم نماز شب بخوانم.
(۲) خون اندر آن خشک شده بود: خون در رگ جریان نداشت.
(۳) درجتش، درجه اولیا گردان: او را به مقام پادشاهی برسان.
(۴) فکر بر پای ایستادن: فکر سرپا ایستادن

۱۲- معنای واژه ی «توش» در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) درون (۲) اندوخته (۳) ابزار (۴) علم

۱۳- در کدام گزینه همه کلمه ها هم خانواده نیستند؟

- (۱) شاخه، شاخسار، شاخ
(۲) حدیث، محدثه، احادیث
(۳) عجز، معجزه، اعجاز
(۴) مستجاب، تعجب، اجابت

۱۴- در کدام گزینه واژه های مترادف وجود دارد؟

- (۱) تو را پرواز بس زود است و دشوار / ز نوکاران که خواهد کار بسیار
(۲) تو را توش هنر می باید اندوخت / حدیث زندگی می باید آموخت
(۳) کبوتر بچه ای با شوق پرواز / به جرئت کرد روزی بال و پر، باز
(۴) هجوم فتنه های آسمانی / مرا آموخت علم زندگانی

۱۵- در بیت زیر کدام آرایه های ادبی وجود دارند؟

«من این جا چون نگهبانم تو چون گنج تو را آسودگی باید مرا رنج»

- (۱) تشبیه - تشخیص
(۲) مراعات نظیر - تشخیص
(۳) تضاد - تشخیص
(۴) تضاد - تشبیه

پاسخ آزمون فارسی هفتم درس هفتم «علم زندگانی»

سوال ۱: گزینه ۴

گزینه ۱: مستجاب(مستجاب)/ گزینه ۲: بحر(بهر) / گزینه ۳: طلوی(طلوع)

سوال ۲: گزینه ۴

حجوم: هجوم

سوال ۳: گزینه ۲

۱- درخواست ۲- بخسب

سوال ۴: گزینه ۴

علم زندگانی: ترکیب اضافی است

سوال ۵: گزینه ۳

گزینه ۱: مرا: مفعول / گزینه ۲: مرا: متمم به معنی به من / گزینه ۳: تو را: برای تو / گزینه ۴: تو را: به تو

سوال ۶: گزینه ۱

چه چیزی دمساز من نگشت: آسایش: نهاد

سوال ۷: گزینه ۱

سوال ۸: گزینه ۲

سوال ۹: گزینه ۳

واژه های کبوتر، بال، پر و پرواز مراعات نظیر یا تناسب هستند

سوال ۱۰: گزینه ۱

«فتاد» مخفف کلمه «افتاد» است.

سوال ۱۱: گزینه ۳

سوال ۱۲: گزینه ۲

سوال ۱۳: گزینه ۴

سوال ۱۴: گزینه ۳

بال و پر: مترادف هستند

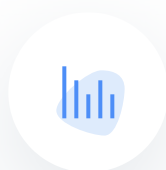
سوال ۱۵: گزینه ۴

تضاد: آسودگی و رنج / تشبیه: تشبیه من به نگهبان و تو به گنج



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد